

## مقدمه

نردبان آسمان است این کلام  
نی به بام چرخ کان اخضر بود

هرکه از آن بر رود آید به بام  
بل به بامی کز فلک برتر بود

(مولوی)

در عصر حاضر که سیر کلی تحولات آن با گسترش دامنه نفوذ دولت در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی همراه شده است، حقوق عمومی نیز به فراخور این تحول عرصه‌های مختلفی از روابط اجتماعی را پوشش داده و در بسیاری از ابعاد به تنظیم این روابط پرداخته است. در حقیقت صرف‌نظر از تحولات اوایل سده نوزدهم میلادی، رویدادهای سیاسی سده بیستم نیز که تا حد زیادی زمینه مداخله دولت را در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی فراهم ساخت، به سهم خود نقش مهمی در تکوین و توسعه موازین نوین حقوق عمومی داشته است.

این امر ضرورت تحقیق و تتبع در خصوص مبانی این رشته را نیز بیش از پیش آشکار ساخته؛ زیرا با وجود تلاشهایی که در عرصه معرفی شاخه‌های مختلف حقوق عمومی در دوره معاصر صورت گرفته است؛ هنوز مبانی و پایه‌های این رشته آن‌چنان‌که باید و شاید مورد بررسی و توجه قرار نگرفته‌اند. در نتیجه این امر، شناخت دانشجویان، پژوهشگران و حتی صاحب‌نظران از موازین حقوق عمومی صرفاً شناختی اجمالی و مبتنی بر آشنایی با مصادیق است. مجموعه این ملاحظات زمینه‌ساز تلاشهای بسیاری در خصوص شناخت مبانی حقوق عمومی شده و بسیاری از این تلاشها علی‌رغم آنکه با غایت واحد و مقصودی معلوم و مشخص صورت گرفته‌اند، در نهایت نقش چندانی را در شناساندن این مبانی ایفا نکرده‌اند. در این بین آسیب‌شناسی مطالعات مربوط به مبانی حقوق عمومی در کشورمان نیز برکنار از آثار فوق نبوده و حتی در مواردی آسیبهای آن فراتر از آسیبهای یادشده قلمداد می‌شود؛ زیرا علی‌رغم توسعه مراکز آموزش عالی و کرسیهای تخصصی آموزش حقوق عمومی، محتوای آثار معدود عرضه‌شده در ادبیات حقوقی کشورمان در خصوص مبانی حقوق عمومی حکایت از مشکلاتی دارد که کم‌وبیش در سایر عرصه‌های علم حقوق نیز از گذشته وجود داشته است. در حقیقت بسیاری از این آثار یا مستقیماً ترجمه‌ای از آثار خارجی بوده یا به طور غیرمستقیم رویکرد ترجمه‌ای داشته و بیشتر به بازخوانی آثار و اندیشه‌های صاحب‌نظران غربی اختصاص یافته‌اند. برخی از این آثار نیز با توجه به رویکردها و علایق پژوهشی مؤلفانشان، حقوق عمومی را منحصراً از جنبه‌های خاصی مانند جنبه‌های فلسفی، تاریخی و غیره مورد تبیین و بررسی قرار داده‌اند. این معضلات در کنار مشکل اولیه کمبود منابع فارسی در خصوص مبانی حقوق عمومی، مؤلف کتاب حاضر را، که از سابقه تدریس این محتوای درسی در دانشگاه تهران و برخی دیگر از مراکز آموزش عالی برخوردار است، بر آن داشته تا به تدوین این کتاب، که در رابطه با مبانی و اصول کلی حقوق عمومی می‌باشد،

بپردازد.

واقعیت آن است که مباحث و موضوعات حقوق عمومی در دنیای معاصر از یک سو به دلیل ارتباط آن با قدرت سیاسی حاکم بر جامعه و از سوی دیگر به دلیل مطالعه و در عین حال مطالبه مصالح و منافع عمومی مردم در کانون توجه قرار گرفته است. به علاوه عواملی چون جدید بودن مطالب و تأثیرگذاری آن بر ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان موجب شده‌اند تا حقوق عمومی که قواعد حاکم بر روابط دولت و افراد است، در عصر حاضر بیش از سایر گرایشهای علم حقوق مورد بررسی قرار گیرد. این ضرورتها و توجهات در کشور ما نیز معطوف به این شاخه مهم از دانش حقوق شده و سبب گشته است تا اندیشمندان و صاحب‌نظران این رشته تقریباً نوپا و جدید برای گسترش و توسعه آن بیش از گذشته بکوشند و با آثار و تألیفات خود بر غنای مطالب آن بیفزایند.

کتاب حاضر در درجه نخست کلیاتی در خصوص مبانی حقوق عمومی است و در تدوین آن سعی بر آن بوده تا اصول و مبانی حقوق عمومی به زبانی ساده و روشن مورد تبیین و بررسی قرار گیرد. این مهم نیز در کنار پرداختن به برخی مفاهیم بنیادین حقوق عمومی وجه دوم کتاب حاضر را جامعیت آن قرار داده است. در حقیقت هرچند نمی‌توان هیچ اثر و دستاورد انسانی را برکنار از کاستیها و محدودیتهای معمول دانست، ولی با توجه به تجربه آثار موجود در خصوص مبانی حقوق عمومی، آنچه در تدوین این کتاب بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، کیفیت و جامعیتی بوده که به باور مؤلف در موارد بسیاری کمیت‌گراییه‌ها و برخی کوتاه‌نظریه‌های معمول جانشین آن شده و در نتیجه بخش زیادی از آثار حقوق عمومی را مقید به قیدوبندهای فلسفی و تاریخی و گاه حتی درج برخی مطالب خارج از بحث نموده است. بنابراین، در این کتاب در حد امکان تلاش بر این بوده تا فارغ از آسیبهایی که در مسیر تدوین آثار حقوقی همواره مؤلفان این نوع آثار را تهدید می‌کند، اثری درخور و شایسته ارائه شود. در هر حال امید است که تدوین این کتاب بتواند بخش مهمی از نیازهای دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای حقوق عمومی را که با کمبود منابع فارسی در خصوص موضوع مبانی حقوق عمومی مواجه‌اند، برآورده سازد.

در پایان لازم است از تمامی کسانی که به نحوی در تشویق و راهنمایی مؤلف در مسیر تدوین این کتاب نقش ایفا کرده‌اند، از جمله از اساتید و دانشجویان دانشگاه تهران و سایر مراکز آموزشی کشورمان که با پشتوانه صداقت و نشاط علمی در موارد بسیاری موجبات غنای معلومات بنده و ایجاد انگیزه درخور برای ادامه کار را فراهم کردند تقدیر و تشکر نمایم. به ویژه در بازخوانی، تنظیم و ویراستاری علمی این کتاب همراهیها و تلاشهای آقای احسان اکبری، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران، شایسته تقدیر است که تا مراحل نهایی و با تلاش و دقتی شایسته، مؤلف را در تألیف این کتاب یاری رسانده است.

شایسته یادآوری است همچنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، این اثر هم مانند سایر آثار انسانی

خالی از اشکال و لغزش نخواهد بود و نمی‌توان آن را از هر جهت کامل و شامل دانست، ولی به باور بنده این محدودیت نوعی محدودیت عمومی در همه آثار تصنیفی به دست بشر است و فراتر از آن نقشی ندارد. همان‌گونه که عماد اصفهانی، فاضل و اندیشمند قرن دوازدهم هجری، نیز این حقیقت مهم را در کلام مشهور خود مورد اشاره قرار داده و می‌گوید: «هرگز کسی را ندیدم که یک روز مطلبی بنویسد و فردای آن روز نگوید: که اگر این جمله را تغییر می‌دادم یا آن سطر را جانشین این می‌کردم، بهتر می‌بود و یا نگوید چنانچه این عبارت را حذف یا فلان جمله را می‌افزودم، زیباتر می‌شد».<sup>1</sup>

در هر حال این حقیقت انکارناپذیر است که شمول نقض بر تمامی آثار و دستاوردهای علمی سایه افکنده و اگر جز این بود تلاش و تحولات علمی که بیشتر در جهت جبران این کاستیهاست، هرگز حاصل نمی‌گشت. البته در این مسیر نیز مؤلف خود را بی‌نیاز از پیشنهادات و نگرشهای اصلاحی صاحب‌نظران، اساتید و دانشجویان این عرصه نمی‌داند و در راه تکمیل و اصلاح مطالب موجود، انتقادات مشفقانه و بی‌غرض را بی‌تردید مورد توجه قرار خواهد داد. از این‌رو از تمامی کسانی که این کتاب را مورد مطالعه و استفاده قرار می‌دهند، استدعا دارد که در صورت مشاهده اشکالات و کاستیهای احتمالی، پیشنهادها و همچنین موارد اصلاحی را با مؤلف در میان بگذارند تا در مسیر اصلاح و بازنگریهای احتمالی مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

ساحت کون و مکان عرصه میدان تو باد

عقل کل چاکر طغراکش دیوان تو باد

(حافظ)

خسروا گوی فلک در خم چوگان تو باد

ای که انشاء عطارد صفت شوکت توست

و من الله التوفیق و علیه التکلان

خیرالله پروین

دانشیار دانشگاه تهران

اسفند ماه 1392

1. انی رأیت أنه لا یکتب انسان کتاباً فی یومه الا قال فی غده: لو غیر هذا لکان احسن، ولو زید کذا لکان یستحسن، ولو قدم هذا لکان أفضل، ولو ترک هذا لکان أجمل و هذا من اکبر العبر، و هو دلیل علی استیلاء النقص علی جملة البشر.